



واژگونی مرگبار

کشنده خودروهای صفر

واژگونی تریلی کشنده حامل خودروهای صفر کیلومتر در بزرگراه آزادگان مرگ شایگرد و زخمی شدن راننده را به همراه داشت.

به گزارش «جوان»، ساعت ۱۵:۲۱ روز دوشنبه بیست و پنجم بهمن مأموران کلانتری ۱۵۳ شهرک ولیعصر مرگ مرد جوانی را در حادثه رانندگی به قاضی حبیب الله صادقی، بازپرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی تهران اعلام کردند. بررسی‌ها حکایت از آن داشت یک دستگاه کشنده بنز حامل خودروهای صفر کیلومتر در مسیر غرب به شرق بزرگراه آزادگان قبل از پل شهید سعیدی واژگون شده که در جریان آن کمک راننده که مرگ ۲۳ ساله‌ای است به کام مرگ رفته است. همچنین مشخص شد در این حادثه راننده هم زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل شده است که بازپرس جنایی دستور داد ضمن گرفتن تست الکل درباره حادثه از وی تحقیق شود.

سرهنگ احسان مومنی، رئیس اداره تصادفات پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ درباره این حادثه گفت: بررسی‌های تیم کارشناسی نشان داد خودروی کشنده پس از برخورد با رقیب وسط بزرگراه به پهلولی چپ واژگون می‌شود و بار آن که خودرو بوده است، به زمین سقوط می‌کند. وی افزود: در بررسی کارشناسان و اطهرات خود راننده کشنده علت حادثه ناتوانی در کنترل وسیله نقلیه ناشی از خستگی و خواب‌آلودگی تشخیص داده شد.

کلاهبرداری با وعده فروش فرش به قیمت کارخانه

مرد فریبکار که با درج آگهی فروش فرش به قیمت کارخانه از متقاضیان کلاهبرداری می‌کرد سرانجام به دام پلیس افتاد.

به گزارش «جوان» چند روز قبل شکایات‌های مشابهی درباره کلاهبرداری به شیوه فروش فرش به قیمت کارخانه به پلیس فتا اصفهان گزارش شد. یکی از شاکیان گفت: هنگام بررسی آگهی‌های فروش فرش در سایت دیوار متوجه شدم که یک نفر مدعی شده فرش‌های خود را به قیمت کارخانه می‌فروشد. برای همین با او تماس گرفتم و در این باره با هم حرف زدیم. بعد از توافق بر سر قیمت قرار شد ۵ میلیون تومان به حساب او واریز کنم و او هم فرش‌ها را برایم بیک کند. بعد از واریز کردن پول پول فروشنده تصاویری از باگیری فرش‌ها و رسیدن بارها را برایم ارسال کرد. در حالی که منتظر رسیدن فرش بودم دیگر آن مرد به تماس‌هایم جواب نداد. بعد از مطرح شدن شکایات مأموران پلیس با اطلاعاتی که شاکیان در اختیارشان گذاشته بودند موفق شدند مخفیگاه متهم را شناسایی و او را بازداشت کنند. متهم در بازجویی‌ها بر این امر اقرار کرد و پول‌های کلاهبرداری شده را به شاکیان بازگرداند.

سرهنگ سید مصطفی مرتضوی، رئیس پلیس فتای اصفهان گفت: متهم با کامل شدن تحقیقات راهی دادرسی شد.

مرگ غم‌انگیز کودک ۶ ساله در تصادف

پسر شش‌ساله‌ای که همراه یکی از دوستانش داخل خیابان بازی می‌کرد در تصادف با خودروی سواری پژو فوت کرد. به گزارش «جوان»، شامگاه روز دوشنبه ۲۵ بهمن مأموران کلانتری ۱۳۴ شهرک غرب از مرگ مشکوک پسر خردسالی در یکی از بیمارستان‌ها باخبر و راهی محل شدند.

مأموران پلیس در بیمارستان با جسد پسر شش‌ساله‌ای روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت در تصادف با خودرویی فوت کرده است. بررسی‌ها نشان داد پسر فوت شده ساعتی قبل همراه یکی از دوستانش در محله‌شان در حال بازی بودند که خودروی پژویی آنها را زیر می‌گیرد. سپس دو پسر خردسال برای درمان به بیمارستان منتقل می‌شوند اما پسر شش‌ساله بر اثر شدت جراحات فوت می‌کند.

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی راننده خودروی پژو که بازداشت شده است، برای تحقیقات به دستور قاضی حبیب‌الله صادقی، بازپرس شعبه چهارم دادرسی امور جنایی تهران در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت.

زن جیب‌بر گرفتار پلیس شد

رئیس پلیس پیشگیری پایتخت از دستگیری زن جیب‌بر محله مشیره به‌خبر داد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ جلیل موقوف‌های گفت: همزمان با افزایش جیب‌بری در محله مشیره و بازار تهران بررسی موضوع در اختیار تیم‌های مختلف کلانتری قرار گرفت و مأموران موفق شدند در جریان تحقیقات میدانی تصویری از چهره سارق به دست بیاورند. وی ادامه داد: بررسی‌های اولیه نشان داد سرت‌ها را زنی حدود ۳۵ ساله به تنهایی مرتکب می‌شود که مأموران متهم را در حال پرسه‌زنی شناسایی و او را در حالی که قصد جیب‌بری داشت دستگیر کردند. موقوف‌های گفت: متهم در بازجویی‌ها به ۱۵ سرت مشابه اعتراف کرد.

مرد میانسال که ۱۱ سال قبل، پس از شکنجه همسرش وی را به قتل رسانده و جسدش را در جنگل‌های جاده چالوس رها کرده بود با سیردن وثیقه آزاد می‌شود.

به گزارش «جوان»، پنجم شهریورماه سال ۸۹، دختر جوانی به اداره پلیس پایتخت رفت و مأموران را از ناپدید شدن ناگهانی مادرش باخبر کرد. او در توضیح گفت: «پدرم به خاطر سوءظن مادرم را شکنجه می‌داد و او را در خانه حبس می‌کرد. آخرین بار وقتی پدرم بی‌رحمانه مادرم را کتک می‌زد، از صدای فریادهای او به طبقه بالا رفتم. دیدم در حالی که مادرم از ناحیه شکم زخمی شده، دست و پایش هم با زنجیر بسته شده است. مادرم به سختی نفس می‌کشید. فریاد آن روز پدرم، من و خواهرم را به سفر فرستاد و زمانی که برگشتم به ما گفت مادرم از خانه فرار کرده است. به پدرم مشکوک هستم و از پلیس کمک می‌خواهم.»

اعتراف به قتل

با اعلام این مفقودی، مأموران به خانه زن ۴۷ ساله به نام مریم رفتند و در بررسی از آن خانه سی‌دی فیلم ۱۰۰ ساعته شکنجه‌های آن زن به دست شوهر ۵۰ ساله‌اش هاشم را کشف کردند. به این ترتیب هاشم بازداشت شد اما جرمش را انکار کرد. وی در مراحل باجویی با توجه به مدارک موجود بالاخره لب به اعتراف گشود و در شرح ماجرا گفت: «فهمیده بودم همسرم با یکی از مردهای قابل ارتباط دارد. برای همین اجازه نمی‌دادم از خانه خارج شود. او چند بار فرار کرده بود به همین خاطر مجبور شدم یک دستبند و پابند آهنی در دست کنم تا هر وقت از خانه بیرون می‌رفتم او را به لوله گاز خانه ببندم.»

او دربارہ روز حادثه گفت: «من سی‌دی سی چند ساعتی در اختیارهای همسر ضبط کرده بودم که روز حادثه متوجه شدم سی‌دی در

خانه نیست. وقتی در این باره سؤال کردم مریم گفت خانواده‌اش سی‌دی را با خودشان برده‌اند. از شدت عصبانیت می‌خواستم او را خفه کنم. بعد فرزندانم را تهدید کردم و گفتم اگر همکاری نکنید شما را شکنجه خواهیم کرد. همسرم بیپوش شد. همان لحظه به حمام رفتم اما وقتی برگشتم و پایش را تکان دادم متوجه شدم غیرطبیعی است. فهمیدم مرده است. این شد که با برادرم تماس گرفتم و ماجرا را برایش تعریف کردم. او گفت جسد را به جاده چالوس ببر و مخفی کن. می‌خواستم جسد را دفن کنم اما نتوانستم برای همین آن را به جنگل‌های عباس‌آباد بردم و رهاش کردم. «با اقارها متهم مأموران به جنگل‌های عباس‌آباد رفتم و از آنجایی که ما ۹ روز حادثه گذشته بود تنها چند تکه از بقایای جسد را کشف و آن را به پزشکی قانونی منتقل کردند.

۳ بار حکم قصاص

پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات، به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه محاکمه دختر و پسر مقتول با گذاشتن شرط اعلام گذشت کردند و گفتند اگر پدرمان بسند خانه را به نام‌مان بزند و دیگر سراغ‌مان نیاید از قصاص گذشت خواهند کرد اما مادر مقتول در خواست قصاص کرد.

در ادامه متهم در جایگاه ایستاد و با شرح حادثه از خودش دفاع کرد. در پایان هیئت قضایی متهم را به حبس محکوم کرد اما این حکم با اعتراض اولیای دم به دیوان عالی کشور فرستاده شد و از سوی قضات نقض و پرونده بار دیگر به همان شعبه ارجاع داده شد. به این ترتیب پرونده دومین بار در همان شعبه تحت رسیدگی قرار گرفت. در آن جلسه فرزندان مقتول گفتند شرط آنها محقق نشده است. به این ترتیب متهم با حکم قضایی به قصاص محکوم شد اما این حکم

این بار هم از سوی قضات شعبه نهم دیوان عالی کشور تأیید نشد. متهم در سومین جلسه رسیدگی بار دیگر از زندان به آن شعبه اعزام شد. او با درخواست قبلی اولیای دم از خودش دفاع کرد و این بار درباره درخواست فرزندانش گفت: «بچه باید از پدرش دیه بخواهد؟ من خانه و ماشینم را می‌فروشم و پولش را به بچه‌هایم می‌دهم اما نه به عنوان دیه.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد و جمشید را به قصاص، منوط به پرداخت دیه به فرزندانش مقتول از سوی مادر بزرگ‌شان محکوم کرد. این حکم بار دیگر به دیوان عالی کشور فرستاده و تأیید شد. با گذشت چهار سال از تأیید این حکم متهم به دلیل عدم پیگیری حکم صادره از سوی اولیای دم همچنان در زندان ماند. به همین خاطر با نوشتن نامه‌ای در خواست تعیین تکلیف کرد.

با این درخواست او بار دیگر مقابل هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه قرار گرفت و در آخرین دفاعش گفت: «با گذاشتن شرط فرزندانم، کالت دادم تا خانام فروخته شود ولی به خاطر اینکه خانه ام متر و که است فروش نرفت. از دادگاه درخواست آزادی دارم تا خودم پیگیری فروش خانه باشم.»

از سوی متهم در گروه وثیقه میلیاردی در آن جلسه حکم قضایی به اولیای دم مهلت داد تا پیگیری حکم باشند ولی با گذشت مهلت داده شده و عدم پیگیری حکم، هیئت قضایی این بار متهم را با توجه به احتساب ایام بازداشت از جنبه عمومی جرم محاکمه و به حبس محکوم کرد. سپس با تعیین میزان وثیقه دستور آزادی متهم را تا زمان تصمیم‌گیری اولیای دم صادر کرد اما میزان وثیقه تعیین شده تأیید نشده. به این ترتیب متهم در صورت تودیع وثیقه میلیاردی از زندان آزاد خواهد شد.

هویت قربانی خانه وحشت شناسایی شد



گرفته بود. زن مشهدهای در تحقیقات پلیسی گفت که دخترم که برای کار از مشهد به تهران آمده حدود با من تماس گرفت و گفت در خانه مأمور پلیسی به صورت موقت مانده است. آن مرد هم تلفنی به من گفت که مأمور پلیس است و قرار است پلیس از دخترم بازجویی کند که بعد از تحقیقات به خانه بر می‌گردد و از طرفی هم به من اطمینان داد که حال دخترم خوب است. **آزمایش دی ان ای** پس از به دست آمدن این اطلاعات قاضی پرونده دستور آزمایش دی ان ای داد که مشخص شود جسد کشف شده دختر زن مشهدهی است یا نه تا اینکه چند روز قبل پزشکی قانونی اعلام



ادراکات

حسین فصیحی

آلزام مدیریتی

حوادث جنایی بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی اجتماعی است که هر لحظه و در هر جا امکان بروز دارد. برخی از این حوادث به دلیل انتشار خبر و شیوه ارتکاب جرم افکار عمومی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و فضای عمومی جامعه متأثر از حادثه روی داده با تنش بسیار مواجه می‌شود. قتل غزل، زن نوجوان اهوازی به دست شوهرش، آخرین اتفاقی بود که فضای عمومی جامعه را به شدت تحت تأثیر قرار داد. با وجود اینکه پرونده‌های بسیاری با موضوع همسر کشی تشکیل می‌شود اما این حادثه به دلیل خشونت که شوهر غزل در ارتکاب جرم به کار برد و فیلمی که از حادثه در فضای مجازی منتشر شد مورد توجه قرار گرفت.

به دنبال وقوع حادثه دیدگاه‌های بسیاری از سوی دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی در فضای رسانه‌ای مطرح و پیوسته‌های آن از جمله قاچاق دختران، دختران فراری، روابط مجازی که منجر به فرار غزل از خانه شده بود و کودک همسری مورد نقد قرار گرفت. نقد موضوعات بیان شده سال‌هاست در فضای عمومی جامعه مطرح است و با وجود اینکه آثار سینمایی از جمله فقر و فحشا و لاتاری هم در این باره ساخته و نمایش داده شد اما کوچک‌ترین تلاشی برای مبارزه با این سوداگری انجام نشده است. در مورد موضوعات نقد شده دیگر هم و خامت ماجرا به همین منوال است و مایه تأسف است که با فاصله گرفتن از حادثه روی داده همه چیز به دست فراموشی سپرده می‌شود تا حادثه هولناک دیگری جامعه را تکان دهد.

در تقویم جنایی ایران حوادث تلخ بسیار مثل سمیه و شاهرخ، خفاش شب، بیجه، شهلا، آتنا، ساختمان پلاسکو، قتل‌های سرالی خرم‌دین و خانه وحشت ثبت شده است و همزمان با وقوع همه این حوادث فضای عمومی جامعه با تنش بسیار مواجه شده است، اما با فاصله گرفتن از حادثه هیچ تلاشی برای پیشگیری از وقوع حوادث مشابه صورت نگرفته است.

هر حادثه جنایی با انگیزه‌های مختلف اتفاق می‌افتد که در صورت توجه به چرایی ماجرا و هزینه کردن برای آن می‌شود از وقوع حوادث بیشتر جلوگیری کرد و گرنه در بر همان پاشنه‌ای خواهد چرخید که سال‌هاست می‌چرخد.



آتش سوزی مرگبار در خیابان مالک اشتر

مرد میانسال در حادثه آتش سوزی مهیب در ساختمان سه طبقه مسکونی در خیابان مالک اشتر به کام مرگ رفت. به گزارش جوان، ساعت ۲۳:۲۰ دو شب قبل آتش نشانان دو ایستگاه شدند.

سید رسول محمدی، افسر آماده آتش نشانی توضیح داد: محل حادثه آپارتمان ۶۰ متری در طبقه سوم ساختمان مسکونی سه طبقه قدیمی بود که به صورت کامل در آتش شعله رو بود. امدادگران همزمان با ایمن کردن محل و در حالی که آتش به سرعت در حال سرایت بود در تیم‌های جداگانه مشغول خاموش کردن حریق شدند. همزمان با خاموش شدن آتش بود که امدادگران در طبقه سوم ساختمان با پیکر سوخته مردی ۵۳ ساله روبه‌رو شدند که جسد بعد از تأیید فوت به پزشکی قانونی منتقل شد. علت حادثه در دست بررسی است.

مفقودی

برگ سبز خودرو سواری سیستم: پراید تیپ: جی تی ایکس آی رنگ: سفید مدل: ۱۳۹۹ به شماره انتظامی ایران ۹۴/۵۴۲ ل ۳۳ شماره موتور ۱۶۷۲۰۰۸۴۴۷۵ شماره شاسی: NAAN۱۱FE۱LH۲۹۲۷۰۵ به مالکیت آقای حسن گورانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز، برگ کمپانی خودرو پراید SE۱۳۱ مدل ۱۳۹۵ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران) ۸۶-۶۸۶ س ۹۷) به شماره موتور ۱۳/M۵۷۵۴۶۷۲/۵۷۵۴۶۷۲ شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰G۱۲۸۵۴۹۱ متعلق به حسین محمدی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

البرز

برگ سبز خودرو سواری هیوندای ازرا ۳۳۰۰ مدل ۲۰۰۸ به رنگ سفید صدفی به شماره پلاک ایران ۶۸-۹۷۴ ب ۵۳ به شماره موتور G۶DBYA۰۵۵۳۲۰ و شماره شاسی KMHF۴۱DP۸A۳۱۷۵۹۴ متعلق به معصومه باقری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

البرز

مفقودی

سند و کارت موتورسیکلت سیستم: باجاج پالسی تیپ: CDI وی آی ان رنگ: آبی مدل: ۱۳۹۲ به شماره انتظامی ایران ۸۸۷۸۱-۸۳۷ شماره موتور: jzcdav۰۷۳۷ شماره شاسی: neo۲۰۰b به مالکیت آقای پرویز اسلامی نسب قشمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز، برگ کمپانی و سند نقل و انتقال خودرو کامیون کمپرسی بنز تیپ ال ۱۹۲۴/۴۶ مدل ۱۹۷۵، رنگ خردلی روغنی شماره پلاک (ایران) ۷۸ ع ۶۲۹ (۳۷) به شماره موتور ۱۰۱۵۱۸ شماره شاسی ۱۳۸۳۲۲ متعلق به اسماعیل رضایی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

البرز

به جوان دوباره نگاه کن Javanonline.ir